

«دستاوردهای سیاست خارجی دولت مردمی»

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران و رهایی ملت مسلمان ایران از یوغ استعمار خارجی و استکبار داخلی، آنچه مورد توجه رهبران انقلاب و اندیشمندان انقلابی قرار گرفت، ایجاد تحول در مبانی، اهداف، راهبردها و روش‌های عمل نظام اسلامی تازه تشکیل شده در عرصه‌های مختلف حکومت‌داری بود. این امر در عرصه‌های مختلف منجر به شالوده‌شکنی از ساختارهای گفتمانی توسعه‌یافته‌ی قبلی توسط نظام شاهنشاهی و نضج یک نظام معنایی و ارزشی نوین توسط اندیشه‌ورزان و صاحب‌نظران اسلامی شد. از جمله مهم‌ترین حوزه‌های دستخوش تغییر می‌توان عرصه سیاست خارجی را نام برد. چراکه در واقع به فرموده رهبر معظم انقلاب: «سیاست خارجی و دستگاه اداره کننده سیاست خارجی در حقیقت نیمی از نظام سیاسی است که رابطه و حدود و منافع کشور را در اقطار عالم دنبال می‌کند. هر چه هم که دنیا از ارتباطات بیشتری و نزدیکی بیشتری برخوردار بشود، این نقش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. خیلی از مشکلات کشورها را دیپلماسی توأم با ابتکار و اقتدار می‌تواند حل کند. در واقع دیپلماسی ابزار کار آمد اقتدار نظام سیاسی است. اقتدار نظام سیاسی را بیش از بسیاری از دستگاه‌هایی که حافظ و موظف به حفظ امنیت ملی هستند، دستگاه دیپلماسی و اداره کننده سیاست خارجی می‌تواند به عهده بگیرد و تحقق ببخشد».

به شکل مشخص این فرمایش مؤید اهمیت و جایگاه رفیع و حیاتی سیاست خارجی در منظومه‌ی فکری و عملی جمهوری اسلامی است. بر همین اساس عرصه سیاست خارجی از جمله حوزه‌هایی بود که بیش از سایرین مورد اصلاح و تنظیم‌گری توسط ارکان انقلاب قرار گرفت. اولین تحول در این دوران، تغییر اصول و مبانی سیاست خارجی بود. بر این اساس، در دوران پرشکوه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اصول محوری سیاست خارجی بر پایه سه عنصر عزت، حکمت و مصلحت تعریف شد. بر پایه‌ی این اصول، نیز اهداف کلی و جهت‌گیری‌های اساسی مورد بازبینی و بازطراحی قرار گرفت. این اهداف به نوبه‌ی خود در دو ساحت و ناظر به دو بعد داخلی و خارجی توسعه یافتند. از جمله موضوعات برجسته‌ی مورد توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر مجموعه‌ی این اهداف است که عبارتند از: «سعادت بشر، استقلال کشور، حفظ تمامیت ارضی، نفی استعمار خارجی و جلوگیری از نفوذ خارجی‌ها در مملکت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، مبارزه با نظام سلطه، تعهد عملی نسبت به حقوق مسلمانان و ...». با آنکه این اصول و اهداف توسط رهبری معظم به شکل مداومی به تمامی دستگاه‌ها و افراد موثر در خلال تطورات ساحت سیاست خارجی یادآوری و تکلیف می‌شدند؛ اما با این حال، عمل دقیق به این منویات در بازه‌هایی مورد غفلت و بی‌اعتنایی دست‌اندرکاران وقت قرار می‌گرفت.

با تشکیل دولت سیزدهم، اولویت‌های دولت مردمی بار دیگر در همسازي و هم‌نوایی با آرمان‌های مقدس نظام جمهوری اسلامی و منویات ارزشمند رهبری عظیم‌الشان انقلاب، جهت‌یابی شد. بر این اساس دستگاه سیاست خارجی دولت سیزدهم تلاش کرد تا در این بازه‌ی زمانی کوتاه از آغاز کار، راهبردها و سیاست‌های خود را در عرصه بین‌الملل به شکلی نوینی توسعه دهد تا بتواند از طرفی منطبق با جهت‌گیری‌های کلی نظام و رهبری، منافع ملت و کشور بزرگ و قدرتمند ایران را به شکل حداکثری تأمین کرده و از طرفی دیگر به جبران آسیب‌ها و ضررهای وارد شده بر پیکره‌ی نظام و ملت در اثر فرصت‌سوزی‌ها،

غفلت‌ها و خیانت‌های قبلی بپردازد. به منظور بررسی دستاوردهای دولت مردمی در حدود یک سال اول از آغاز فعالیت آن، لازم است تا پیش از ورود به این موضوع، ابتدا موقعیت دولت سیزدهم در آغاز کار را از جهات مختلف مرور کرده و با آگاهی از مختصات عرصه‌ی بین‌الملل، اولویت‌ها و دستاوردهای دستگاه سیاست خارجی این دولت را در سال اول بشناسیم.

۱) پاندمی جهانی

دولت سیزدهم در شرایطی سکان مدیریت امور را در مرداد ماه ۱۴۰۰ بر عهده گرفت که ایران و جهان با یکی از جدی‌ترین بحران‌های چند دهه‌ی اخیر مواجه شده بود. این بحران که ناشی از شیوع گسترده‌ی بیماری مهلک کرونا در ایران و جهان توسعه یافته بود، علاوه بر ابتلا و مرگ بسیاری از مردم جهان، پیامدهای سهمگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی برای جوامع بشری داشت. ایران نیز همانند بسیار دیگر از کشورهای دنیا درگیر موج‌های پی‌درپی این ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از این بیماری شد که در اثر هر یک از آن‌ها ضربه‌ی سنگینی بر پایه‌های جامعه، اقتصاد و سیاست ایران وارد می‌گشت. دولت مردمی در شرایطی روی کار آمد که ایران در مرداد ۱۴۰۰ در حالی وارد موج پنجم بیماری می‌شد که عدم دسترسی به واکسیناسیون گسترده در کنار حتی عدم امکان تأمین اقلام دارویی و تجهیزات درمانی مناسب توسط مدیریت وقت برای درمان مناسب بیماران و مبتلایان، مردم شریف ایران را به شدت آزرده خاطر کرده بود. مرگ ده‌ها هزار هموطن در کنار عدم کامیابی دولت وقت در تأمین نیازهای بنیادین مردم در مواجهه به این بیماری تنها یک طرف ماجرا محسوب می‌شد. شیوه‌ی خاص مدیریت این بحران توسط مدیران وقت، پیامدهای فاجعه‌بار این بیماری را با شدت و بسامد زیادی به دیگر حوزه‌های سیاستی توسعه داده بود. مرگ کثیری از هموطنان و اعضای خانواده‌ها به همراه وخامت اوضاع که در نتیجه‌ی آن فشارهای شدیدی بویژه از نوع اقتصادی را بر جامعه وارد شد، آنقدری مردم را ناامید از کارکرد و فایده‌ی مدیریت مسئولان وقت ساخت که در اثر آن موج‌هایی در فضای مجازی و در اپ‌هایی نظیر اینستاگرام و توئیتر شکل گرفت که ملت‌مانه از جامعه جهانی درخواست ارسال واکسن و تجهیزات درمانی برای مردم ایران را داشت. بروز چنین فاجعه‌ای در سایه‌ی مدیریت و دیپلماسی غلط و معیوب مدیران و مسئولان وقت علاوه بر ایراد آسیب‌های فراوان معنوی به جامعه‌ی ایرانی و تضعیف و عقب‌نگه‌داشتن کشور از مسیر رشد و توسعه، لکه‌دار کردن عزت ایرانی و اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی را در پی داشت.

۲) شکست سیاست سازش با غرب

در مرداد ۱۴۰۰، عنان دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حالی به دولت جدید سپرده شد که بیش از هشت سال ناکامی و عدم توفیق را یدک می‌کشید. ایده‌ی محوری دست‌اندرکاران قبل که تنها متکی بر سازش با غرب و نادیده‌گرفتن بقیه‌ی دنیا بود، شکست و تحقیر را تجربه کرد. البته در واقع، خروج دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا از توافق برجام اعلام رسمی سیاستی محسوب می‌شد که به شکل عملی حتی در روزهای ابتدایی پس از امضای برجام نیز در دستور کار آمریکا و کشورهای دنباله‌روی او قرار داشت؛ و آن سیاست، اطمینان حاصل کردن از موفقیت استراتژی تضعیف ایران در عرصه‌های مختلف اقتصادی، علمی و هسته‌ای و عدم انتفاع ایران از مواهب فرضی این توافق بود. خروج آمریکا از برجام همراه شد با تداوم اعمال رژیم تحریم‌ها که البته هیچگاه به شکل عملی و حتی نظری! برداشته نشده بودند به همراه توسعه‌ی شدید اعمال این سیاست علیه ایران. چراکه آمریکا در سایه‌ی مواهب واقعی توافق برای طرف غربی، با شناختی

عمیق‌تر، همه‌جانبه‌تر و بی‌واسطه با اقتصاد ایران، ابعاد دقیق برنامه‌ی هسته‌ای و همچنین روش‌های ایران برای دوزدن تحریم‌های قبل رسیده و به تبع این مزیت ارزشمند اطلاعاتی، نظام جدید تحریم‌ها را پس از خروج خود از برجام به شکل موثرتر و دقیق‌تری علیه منافع و افراد ایرانی توسعه داد. البته این امر تنها گوشه‌ای از نتایج اتخاذ یک سیاست غلط و معیوب در عرصه سیاست خارجی محسوب می‌شود. تمرکز بر ارتباط با غرب و تلاش مفرط و وسواس‌گونه برای سازش با آن، در کنار آسیب‌ها و مضرات اینچنینی، پیامدهای دیگری از جنس «عدم انتفاع» داشت. موضوعی که صورت‌حساب ضربات و آسیب‌های سیاست «سازش با غرب» علیه منافع و تمامیت ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی را بسیار سنگین‌تر از قبل می‌کرد. شماره‌ی فرصت‌های متعدد استراتژیک و زیرساختی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، صنعتی و فنی و سیاسی که صرفاً با امید بستن به غرب و آمریکا از دست رفتند، از حوصله‌ی این نوشتار خارج است. البته پرواضح به نظر می‌رسد که تا چه اندازه این غفلت‌ها اقتدار، رشد و توسعه‌ی امروز و فردای کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داد.

۳) ضعف در برقراری روابط استراتژیک با کشورهای دنیا

دیگر مشخصه‌ی شرایطی که دولت مردمی در آن عهده‌دار امور شد، ضعف دستگاه سیاست خارجی دولت قبل در ایجاد یک رابطه‌ی استراتژیک و دوسویه با کشورهای دنیا بود. نگاه برجام‌زده به عرصه بین‌المللی و اتخاذ یک «دیپلماسی تبعی» منجر به ایجاد وضعیتی برای ایران عزیز شده بود که در آن، تعامل ایران با کشورهای دیگر دنیا صرفاً در چارچوب ارتباط با غرب و برجام تعریف می‌شد. نگاه فانتزی مسئولان قبلی به عرصه روابط بین‌الملل، بروز یک نوع شیفتگی و وسواس را در ارتباط با غرب به دنبال داشت که در این نگاه همه چیز در حل و فصل اختلافات با غرب تعریف می‌شد. که البته آن هم راه حلی جز جلب رضایت آمریکا نداشت. تنها راه کسب این رضایت نیز آن بود تا دیپلماسی ایران در مسیری جهت‌دهی شود که در سه حوزه‌ی هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای از مواضع و منافع ایران در برابر خواست آمریکا و غرب عقب‌نشینی کند. این «تک محوری دیدن» دنیا موجب غفلت از پیگیری و شکل‌دهی به یک دیپلماسی موثر چندجانبه یا دوجانبه با سایر کشورهای جهان بود. چراکه در این نگاه نیازی به حضور کشورهای دیگر در این کره‌ی خاکی و در منظومه‌ی سیاست خارجی ایران حس نمی‌شد. اساساً تمامی مشکلات در اثر تعامل با غرب حل می‌شد و تمامی مسائل در آغوش آمریکا فیصله پیدا می‌کرد؛ در نتیجه‌ی این نگاه حتی دیپلماسی ایران با کشورهای همسایه نیز برجام‌زده تعریف گشت.

در کنار این عامل، عدم توفیق دستگاه سیاست خارجی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های نیروهای داخلی در مدیریت چالش‌های خارجی و بین‌المللی نیز بسیار مشهود جلوه می‌نمود. درگیری دولت با نیروهای موثر داخلی و واردشدن به دوگانه‌هایی چون «میدان و دیپلماسی»، توان دستگاه سیاست خارجی در پیگیری اهداف و منافع ملت ایران را مضمحل کرد. از طرفی دیگر، در درون دولت نیز به گواه وزیر وقت خارجه، میان نهادهای مختلف زیرمجموعه‌ی دولت، ناهماهنگی، تعارض و بعضاً اختلاف وجود داشت. مجموعه‌ی تمامی این عوامل در کنار هم، تعامل ایران با کشورهای همسایه، دوست و هم‌پیمان در نقاط مختلف دنیا، در کنار قدرت‌های جهانی نوظهوری نظیر چین و روسیه را نیز تحت‌الشعاع این ناکارآمدی و سوءمدیریت قرار داد. به عبارت دیگر جهت‌گیری‌های اشتباه در تعیین نوع دیپلماسی در کنار عواملی چون: ناتوانی مدیریت وقت در ایجاد همگرایی میان نیروهای داخلی، عدم بهره‌برداری مناسب از ظرفیت‌های داخلی و بسیج نامناسب امکانات کشور در راستای تأمین حداکثری

منافع ملت ایران، شرایط بغرنجی را برای دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی در روزهای پایانی دولت دوازدهم به وجود آورد.

۴ بحران اوکراین

وقوع بحران اوکراین در ماه‌های ابتدایی آغاز به کار دولت سیزدهم، تمامی کشورهای دنیا را دستخوش چالش‌ها و فرصت‌های مهمی کرد. جایگاه مهم کشور روسیه و اوکراین در حوزه‌هایی نظیر انرژی و غلات، اقتصاد کشورهای جهان را در تلاطمات سهمگینی قرار داد. اقتصاد جهانی که در روزهای پس از واکسیناسیون گسترده، اولین نفس‌های تازه‌ی خود را تجربه می‌کرد با وقوع تهاجم روسیه به اوکراین در شوک شدیدی فرورفت. افزایش قیمت جهانی انرژی و غلات چالش‌های متعددی را در عرصه‌های داخلی و خارجی برای کشورهای مختلف بوجود آورد. این امر ایران را نیز تحت تاثیر خود قرار داد. برهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا، قیمت جهانی اجناس و اختلال در روند تأمین در بازارهای جهانی و به تبع آن ایران چالش دیگر بود که در برابر برنامه‌ها و هدف‌گذاری‌های دولت مردمی برای رشد و توسعه ایران پدید آمد.

دولت مردمی در چنین شرایطی زمام امور را به دست گرفت. دولت سیزدهم اما برخلاف سلف خود ابتدای سیاست خارجی خود را بر یک سیاست خارجی متوازن، دیپلماسی نوین پویا و تعامل هوشمند با جهان قرار داد. براین اساس دستاوردهای دولت سیزدهم در امر سیاست خارجی را مرور خواهیم کرد:

۱) دیپلماسی واکسن

همانطور که اشاره شد، وضعیت بغرنج پاندمی کرونا در ایران تنها یکی از موروثات منحوس دوران قبل برای دولت مردمی بود. این در شرایطی بود که برخی افراد با سوءاستفاده از ضعف‌ها و نقص‌های موجود در تأمین مایحتاج مردم در مبارزه با بیماری کرونا، عدم واردات واکسن و اقلام دارویی را نیز به رفع تحریم‌ها گره زده و راه حل خروج از آن وضع را رسیدن به یک توافق جامع با دول غربی معرفی می‌کردند. کم‌کاری واضح و سوءمدیریت بارز مدیران وقت جان میلیون‌ها ایرانی را در خطر مرگ قرار داد. با روی کار آمدن دولت سیزدهم، دیپلماسی فعال دولت نقش مهمی در حل‌وفصل بحران کرونا در ایران داشت. موضوعی که علاوه بر امر مهم حفظ جان هموطنان و ایرانیان در کنار اتباع کشورهای مثل افغانستان، منجر به رونق اقتصاد و تجارت در داخل و امن‌شدن خاک ایران در راستای پیگیری دیگر سیاست‌های مهم دولت در محور اقتصادی نظیر کریدور یا سرمایه‌گذاری خارجی شد. دستاورد مهم دولت در این بخش، واردات موفق صدها میلیون دز از انواع واکسن کرونا به داخل کشور و رفع بحران بیماری کرونا در ایران و رساندن تعداد کشته‌های ناشی از بیماری کرونا برای روزهای متمادی به صفر است.

۲) دیپلماسی همسایگان

غفلت از حوزه‌ی نفوذ همسایگان که در برخی موارد حتی عمق استراتژیک جمهوری اسلامی نیز محسوب می‌شدند آن قدری شدید بود که در دستورکار قرار گرفتن مجدد آن به تعبیر برخی «فعال‌سازی بخش‌های خاموش دیپلماسی» بود. ایران کشوری پهناور است که در یکی از گلوگاه‌ها و نقاط مهم ژئوپلیتیک دنیا قرار دارد. ویژگی‌های جغرافیای و سرزمینی آن به تنهایی عاملی است که ایران را بدل به یکی از بازیگران اصلی در کریدورهای تجاری شمال - جنوب و شرق به غرب می‌کند.

فعال شدن این ظرفیت و مواهب ناشی از آن ارتباط مستقیمی با میزان حسن روابط ایران و کشورهای همسایه‌ی آن دارد. دکتر رئیسی در اولین نشست خبری خود با آگاهی از این ظرفیت گسترده بر این معنا تأکید نمود: «سیاست خارجی دولت ما از برجام شروع نمی‌شود و به برجام نیز محدود نخواهد شد، بلکه ما تعاملی گسترده و متوازن را در سیاست خارجی دنبال خواهیم کرد ... اعلام می‌کنم که برای ما در روابط با تمام کشورهای دنیا و تعامل با آن‌ها، اولویت در ارتباط با همسایگان خواهد بود.»

در دولت مردمی با اتخاذ یک دیپلماسی متوازن در حوزه‌ی سیاست خارجی ظرفیت‌های فراوانی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و صنعتی ایجاد و از آن بهره‌برداری شد. ترمیم روابط ایران و تاجیکستان که در سایه‌ی بی‌تدبیری‌های گسترده‌ی مسئولان وقت، قریب به یک دهه در تیرگی کامل به سر می‌برد، از نتایج درخشان اتخاذ این سیاست اصولی و درست بود. علاوه بر دستاوردهای سیاسی این اقدام که پای ایران را مجدد به منطقه‌ی مغفول قفقاز باز کرد، افتتاح کارخانه پهبادسازی در تاجیکستان توسط ایران و برداشته شدن مخالفت تاجیکستان با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نیز از جمله نتایج اقتصادی مهم کاربست دیپلماسی همسایگان آن هم تنها در قبال یک کشور است.

بطور کلی در بیش از یک سال اخیر از آغاز به کار دولت مردمی، سفرها و تعاملات فراوانی با کشورهای همسایه‌ی توسط متولیان امر صورت پذیرفته که دستاوردهای آن در عرصه‌های اقتصادی نظیر قرار داد سوآپ گازی بین ایران، ترکمنستان و آذربایجان به شکل مشهودی قفل ظرفیت‌های مغفول مانده‌ی موجود را شکست و مسیر جدیدی را برای رشد و توسعه‌ی ایران ایجاد کرد. دستاور دیگر اقتصادی دیپلماسی همسایگان، افزایش تعاملات تجاری با کشورهای هم‌پیمان ایران نظیر عراق از ۱۲ میلیارد دلار به ۱۶ میلیارد دلار تنها در ده ماه نخست شروع به کار دولت محسوب می‌شود. در کنار این موارد می‌توان به اقداماتی نظیر: حضور فعال ایران در اجلاس سران اقتصادی اکو و ایجاد زمینه توسعه روابط اقتصادی با کشورهای عضو و انجام توافق‌های ترانزیتی با کشورهای پاکستان، آذربایجان، قرقیزستان، ترکمنستان و آذربایجان نیز اشاره کرد که تمامی این دستاوردها نتیجه‌ی پیشبرد یک دیپلماسی فعال در حوزه‌ی همسایگان است.

بر همین اساس در سایه‌ی اتخاذ این رویکرد در دولت سیزدهم، شاهد رشد تجارت و افزایش سهم صادرات غیرنفتی به کشورهای همسایه حداقل به دو برابر می‌باشیم. حجم تجارت با این کشورها از ۲۰ میلیارد دلار به ۵۰ میلیارد دلار رسیده است. بر اساس آمارها، صادرات کالای ایرانی به ۱۵ کشور همسایه از ابتدای شهریور تا پایان بهمن ۱۴۰۰ بیش از ۴۴ میلیون و ۵۲۹ هزار و ۱۸۵ تن به ارزش ۱۵ میلیارد و ۶۷ میلیون و ۲۴۴ هزار و ۶۲۵ دلار شد که با رشد ۴۴ درصدی در وزن و ۴۸ درصدی در ارزش همراه بوده است. در سال ۱۴۰۰ ایران ۴۸.۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشت که حدود ۲۵ میلیارد دلار آن به مقصد کشورهای همسایه بود و بیش از ۱۶ میلیارد دلار آن هم در زمان دولت سیزدهم رقم خورد. آمارهای صادرات به هر یک از کشورهای همسایه هم همگی از رشد حکایت دارد. صادرات ایران به عراق از رشد ۱۰۰ درصدی برخوردار بوده است. یا در مثالی دیگر، تبادل کالا با کشورهای همسایه در بهار ۱۴۰۱ در مقایسه با بهار ۱۴۰۰ با رشد ۱۸ درصدی مواجه بوده است. این موارد به تدریج و بیش‌ازپیش اثرات خود را در اقتصاد ملی نشان خواهد داد. علاوه بر این آورده‌های اقتصادی، همبستگی با همسایگان، نتایج مثبت و غیرقابل انکار دیگری را هم در زمینه‌های سیاسی و امنیتی رقم می‌زند. در این بین نکته مهم دیگر آن است که دولت سیزدهم هوشمندانه، علاوه بر ادامه‌ی تعامل با کشورهای غربی در دستیابی به یک متن توافق مشترک که

متضمن تأمین منافع قطعی و نه واهی و خیالی برای ایران باشد، سبب سیاست خارجی خود را با گسترش حوزه‌ی عمل به سمت همسایگان و منطقه‌ی آسیای میانه و قفقاز، متنوع ساخت.

۳) دیپلماسی اقتصادی فعال

دیگر دستاورد دولت سیزدهم در عرصه سیاست خارجی فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی است. در آغاز دولت وزیر خارجه جناب آقای دکتر امیرعبداللهیان به نمایندگان مجلس وعده داد که حداقل ۴۰ درصد از سهم فعالیت دستگاه سیاست خارجی به دیپلماسی اقتصادی تعلق پیدا کند. این تمرکز اجرایی منجر به آن شد که حجم تبادل تجاری ایران در بعضی حوزه‌ها در کمترین حالت ۳۶ درصد و در بیشتر حالت ۵۷۰ درصد رشد و رونق را تجربه کند. مورد دیگر که در بخش دیپلماسی اقتصادی می‌توان آن اشاره کرد، فعال‌سازی «دیپلماسی کریدور» در همین راستا است. ایران به علت موقعیت ممتاز جغرافیایی در کنار عوالم دیگری نظیر دولت و حکومت مستقر دارای اقتداد و وجود امنیت پایدار، می‌تواند میزبان امن و مطمئنی برای توسعه‌ی کریدورهای تجاری از داخل خاک خود به سمت مقاصد و بازارهای مهم اقتصادی و تجاری دنیا باشد. در این راستا ترانزیت و راه‌های «مواصلاتی» در منطقه از اولویتهای ایران در دولت سیزدهم قرار گرفت. اتخاذ این سیاست توسط دولت مردمی همراه بود با حضور فعال و اثرگذار ایران در ابتکارهای منطقه‌ای و چندجانبه برای ارتقای مواصلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر «کنفرانس دیپلماسی حمل‌ونقل کشورهای در حال توسعه‌ی محصور در خشکی». اهمیت دیپلماسی کریدور آنجاست که کریدور فقط ابزاری برای حمل‌ونقل نیست، بلکه وسیله‌ای برای گسترش تجارت و تقویت اقتصاد ملی و منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شود. اساساً ارتقای مواصلات از طریق کریدورها به گسترش تجارت، درآمدزایی دولت و رشد اقتصادی پایدار برای ایران می‌انجامد. به بیان دیگر، کریدورها ابزاری هستند برای توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران. توجه به این امر آنجایی اهمیت بیشتری می‌یابد که ذیل نظم جدید شکل گرفته در فضای بین‌الملل، کاربست دیپلماسی کریدور می‌تواند توسعه‌ی مقولاتی نظیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، زیرساخت‌های مواصلاتی و اقتصادی نظیر راه‌آهن و بنادر و ... را بدنبال داشته باشد که خود نقش مهمی را در شکل‌دهی به آینده‌ی شکوهمند ایران عزیز ایفا می‌کند. به‌علاوه آن که توسعه‌ی روابط و پیوندهای ایران با کشورهای دیگر جهان، قابلیت تحریم‌پذیری ایران را نیز کاهش می‌دهد.

۴) دیپلماسی انرژی

ایران از جمله‌ی غنی‌ترین کشورهای جهان از جهت ذخایر انرژی و نفت‌وگاز است. با این حال تحریم‌های شدید وضع شده از سال ۲۰۱۸ علیه ایران در محورهایی نظیر فروش نفت، بازگشت درآمدهای حاصله و همچنین ممنوعیت‌های وضع شده بر صادرات صنایع و تکنولوژی مرتبط با صنعت نفت به ایران، شرایط سختی را برای دولت سیزدهم و وزارت نفت آن در آغاز کار رغم زد. با وجود همه‌ی این مشکلات به ارث برده از متولیان قبل، صادرات نفت ایران رکورد چندساله‌ی خود را شکست، قریب به ۸۰ میلیارد دلار تفاهم‌نامه در صنعت نفت منعقد شد، سوآپ گازی متوقف‌شده بین ترکمنستان و آذربایجان برقرار گشت، صادرات گاز حدود ۲۵ درصد افزایش را تجربه کرد، و... موارد دیگر که همگی نشان از فعال‌شدن دیپلماسی انرژی در دولت سیزدهم به شکلی نوین و مدرن دارد.

وزارت نفت دولت سیزدهم در طول یک سال گذشته، اقدامات کلیدی را در پی اتخاذ دیپلماسی انرژی فعالانه و مبتکرانه به نتیجه رساند که منجر به بی‌اثر ساختن تحریم‌های آمریکا شد. آنقدری این سیاست‌ها مؤثر واقع شدند که افرادی چون جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق آمریکا در گزارش‌هایی به صراحت از مضمحل شدن ساختار و تاثیر نظام تحریم‌های آمریکا علیه ایران سخن گفته و از دولت وقت آمریکا خواستند سیاست خود را در قبال ایران تغییر دهد. این اقدامات عبارتند از:

● توسعه‌ی بازارهای محصولات نفتی ایران؛ نظیر:

— توسعه‌ی بازار انرژی در آمریکای لاتین

— افزایش ۴۳ درصدی صادرات گاز به عراق

— امضای تفاهم‌نامه با عمان برای صادرات گاز به این کشور

— صادرات خدمات فنی مهندسی به عمان و کشورهای آمریکای لاتین

● توسعه‌ی ایجاد زیرساخت‌های صنعت نفت در داخل و تأسیس پتروپالایشگاه‌ها؛ نظیر:

— تکمیل فازهای پارس جنوبی

● توسعه‌ی روابط دوجانبه و چندجانبه در حوزه‌ی انرژی با کشورهای منطقه و دنیا؛ نظیر:

— قرارداد سوآپ گازی بین ترکمنستان، ایران و آذربایجان

— سهامداری ایران در پالایشگاه‌های فراسرزمینی در آمریکای لاتین و در کشورهای نظیر ونزوئلا و نیکاراگوئه که خرید نفت ایران را با سیاست خرید تقاضا تضمین می‌کند.

— همکاری ایران و آذربایجان برای توسعه میدان‌های گازی و نفتی دریای خزر و در بحث ذخیره‌سازی گاز.

● جذب سرمایه‌گذاری خارجی به منظور بهینه‌سازی صنعت نفت و توسعه‌ی توان صادراتی؛ نظیر:

— بسته‌شدن تفاهم‌نامه‌ی ۴۰ میلیارد دلاری با شرکت گازپروم روسیه به منظور توسعه میدان‌ها گازی، نفتی، تکمیل طرح‌های LNG، سوآپ محصولات نفتی، احداث خط لوله‌ی صادرات گاز به عمان و پاکستان.

۵) عضویت در سازمان همکاری شانگهای

عضویت در این نهاد بین‌المللی و فرمانطقه‌ای پس از دو دهه انتظار، از مهم‌ترین دستاوردهای دولت سیزدهم در راستای تأمین حداکثر منافع ملت بزرگ ایران است. عضویت در این نهاد به عنوان یک عضو دائم، مزیت و فرصتی استثنائی در اختیار ایران برای کسب منافع استراتژیک سیاسی، اقتصادی، امنیتی، تجاری، پولی بانکی، انرژی و فرهنگی قرار داده است. این دستاور به نوعی سرآغاز نگاه سیاست خارجی ایران به شرق و قدرت‌های نوظهور می‌باشد. کشورهای عضو این سازمان در مجموع بزرگترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی در دنیا بوده و با در اختیار داشتن حدود ۲۵ درصد خشکی‌های زمین و قریب به ۵۰ درصد جمعیت جهان، نقش مهمی در موازنه‌ی فعلی و آتی جهان بین‌الملل دارند. توجه به این عوامل، اهمیت بالای دستاورد عضویت و پیوند با مجموعه‌ی کشورهای عضو این سازمان را برجسته‌تر جلوه می‌نماید.

۶) فعالسازی دیپلماسی آب و دیپلماسی پولی بانکی

فعال‌شدن محورهای دیگر مغفول‌مانده در عرصه سیاست خارجی و تلاش برای تأمین منافع حقه‌ی ملت ایران از جمله دیگر دستاوردهای دولت مردمی محسوب می‌شود. تقویت دیپلماسی آب و انرژی جزو اولویت‌های سیاست خارجی دولت سیزدهم بوده و از ابتدای روی کار آمدن دولت مردمی با تأکیدهای رئیس‌جمهور این موضوع با جدیت دنبال شده است. به شکلی که این نوع دیپلماسی در تمام جلسات دوجانبه با کشورهای مختلف بویژه همسایگان در دستور کار جلسات قرار گرفته است. دیپلماسی پولی بانکی نیز از جمله محورهای مهم سیاست خارجی این دولت بوده است. پیگیری و موفقیت این سیاست از آنجایی دارای اهمیت است که می‌تواند ابرهای تیره‌ی تحریم را کنار زده و با ایجاد سازوکارهای درست، بستر مناسبی را در جهت تأمین یک جریان مالی مطمئن و کارآمد برای استفاده‌ی صادرکننده‌ها، واردکننده‌ها و همچنین بازگشت عواید حاصل از صادرات نفت و انرژی ایجاد کند. با کاربست موفق این دیپلماسی در عرصه سیاست خارجی می‌توان انتظار داشت که از این طریق کشور به شکل کامل از سایه‌ی تحریم‌های ظالمانه خارج شود. در همین خصوص پیشبرد این نوع کاربردی از دیپلماسی را توسط دولت مردمی و در قبال کشورهای روسیه، چین، قطر و امارات شاهد هستیم.

۷) حضور عزتمندانه در مجمع عمومی سازمان ملل

رئیس‌جمهور دولت مردمی، آیت‌الله رئیسی در جریان حضور و سخنرانی خود در سازمان ملل متحد دفاعی مقتدرانه و عزتمندانه از منافع ملت شریف ایران داشت. علیرغم تمامی هجمه‌ها، حملات و تهدیدهای متعدد علیه حضور ایشان در سازمان ملل، آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در سخنرانی خود در مجمع عمومی پس از اشاره به نقش آمریکا در ایجاد داعش و توسعه‌ی تروریسم در منطقه که منجر به وارد شدن آلام و لطمات فراوانی به ملت‌های خاورمیانه شد، عکس سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی در برابر انظار میلیون‌ها بیننده و نمایندگان تمامی دولت‌ها و رسانه‌های دنیا بالابرده با دفاع از عملکردها و اشاره به تاثیر مهم تلاش‌های حاج قاسم در از بین بردن تروریسم سلفی، مجازات جانان مرتبط با ترور و شهادت سردار سلیمانی را خواستار شد. این اتفاق در زمره‌ی ماندگارترین و برجسته‌ترین حضورهای رؤسای جمهوری ایران و البته دیگر کشورهای دنیا در مجمع عمومی سازمان ملل بود.